

متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و یکم خارج اصول فقه (دور دوم) 2 خرداد ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه گفتگو از شرطیت بلوغ

صحبت از اعتبار شرعی بلوغ در تکالیف بود. دو کلام از محقق نائینی در جلسه گذشته بیان کردیم. بیان شد که طبق کلام ایشان وجوب تعلم اعتقادات و احکام در آستانه بلوغ بر عاقل نابالغ واجب است. این حرف خلاف نظر مشهور است که می گویند در همه تکالیف، بلوغ شرط است و نظرشان را مستند به حدیث رفع قلم می دانند.

محقق نائینی دو بیان دارد: یک بیان در آلود است که درس خود محقق نائینی است و محقق خوئی آن را تقریر کرده اند و یک بیان از محقق نائینی در محاضرات به نقل از استادشان محقق نائینی است. ما باید این دو کلام را مقایسه کنیم چون نکته مهمی در آن هست.

در بیان اول آقای نائینی مساله ملازمه مطرح می شود و از دل قاعده ملازمه وجوب شرعی را بیرون می کشد لذا قائل می شود که این بچه قبل از بلوغ واجب شرعی دارد. بیان ساده ای هم دارد به این شکل که عقل می گوید اگر این بچه فردا صبح بالغ است الان باید خود را آماده کند و عقل هم قاطع می گوید و از درون این درک قاطع عقل، حکم شرعی در می آید.

در بیان دوم ایشان که در محاضرات مرحوم خوئی از ایشان نقل می کند صحبتی از وجوب شرعی نیست نه تنها صحبتی از وجوب شرعی نیست بلکه صحبت از رد حکم شرعی است. چون در بیان دوم می گوید احکام عقلیه مثل همین وجوب تعلم مشمول حدیث رفع نیست چون حدیث رفع قلم آمده احکام شرعی را بردارد نه احکامی که عقل ما درک می کند و وجوب تعلم حکم عقلی است و حکم شرعی نیست.

در بیان اول می گفت که حکم شرعی داریم و درباره مزاحمت حدیث رفع صحبتی نمی کند اما در بیان دوم اساساً سخنی از حکم شرعی نمی کند که بخواهد با حدیث رفع قلم در تزامن باشد.

نکته: این وجوب شرعی که محقق نائینی در بیان اول دارند وجوب شرعی طریقی است نه نفسی. به این معنا که اگر عاقل نابالغ سراغ تعلم که بر او واجب شده بود نرفت و از دنیا رفت تخری کرده اما مستحق عقاب نیست مانند وجوب احتیاط در شبهه محصوره اگر ما احتیاط نکردیم و احد الانائین را استفاده کردیم و اتفاقاً پاک بود اینجا بابت ترک احتیاط مستحق عقاب نیستیم چون وجوب احتیاط طریقی بوده است هر چند تخری صورت گرفته است.

نقد کلام محقق نائینی:

ما به ایشان می گوئیم که طبق بیان اول که از حکم عقلی حکم شرعی به دست آوردید شما از کسانی هستید که معتقدید عقل حکم ندارد بلکه فقط ادراک دارد. یعنی معتقد هستید که عقل ادراک بایستگی می کند نه حکم. مانند معلمی که به شاگرد می گوید بایسته است که درس بخوانی اما معلم بر شاگرد مولویت ندارد که به آن حکم بدهد. انسان خودش بر خودش مولویت ندارد و مقام مافوق بر من مولویت دارد و می تواند دستور بدهد. لذا گفته می شود که شأن العقل لیس الا الإدراک. اگر عقل فقط ادراک دارد نه حکم، در مساله وجوب تعلم عقل نهایتاً ادراک بایستگی انجام دارد و این چه ارتباطی با حکم دارد که بخواهد از دل آن حکم شرعی در بیاید؟ فرض هم این است که نسبت به احکام شرعی حدیث رفع قلم را داریم. لذا به ایشان می گوئیم این حرف شما که از حکم عقلی حکم شرعی بیان کردید با مبنای شما سازگاری ندارد.

نقد محقق خوئی بر کلام محقق نائینی:

شما می خواهید از درک عقل به حکم شرع برسید در حالیکه این زمانی میسر است که شارع ردع نکرده باشد. اگر جایی حکم عقل باشد و تعبد بر خلاف آن باشد دیگر نمی توان از آن درک یا حکم عقل، حکم شرعی استنباط کرد. حدیث رفع، تعبدی است که مقدم می شود بر درک عقل مبنی بر وجوب تعلم. لذا ما هر چقدر هم درک قاطع عقلی داشته باشیم با تعبد شارع کنار می رود. پس اینجا وجوب شرعی نداریم.

اینجا فقط مشکل همگانی جهل مکلف در آستانه بلوغ نسبت به احکام و اعتقادات و فوت برخی واجبات در ابتدای بلوغ باقی می ماند که در آینده در بحث مقدمه واجب راه حل محقق خوئی و دیگران را بررسی می کنیم. این بحث در مقدمات مفوته و واجب معلق بحث می شود.

سوال: فرزند ما به سن بلوغ رسیده اما برای نماز صبح خیلی سخت بیدار می شود چه باید کرد؟

پاسخ: بیدار کردن بچه محل بحث است و برخی می گویند واجب نیست ولی نظر درست این است که اگر بدآموزی داشته باشد یا کوتاهی به حساب بیاید باید بچه را بیدار کرد و الا تکلیف ندارد.

سوال: آیا اگر خواب ماند و نماز نخواند قضا دارد؟ طبق نظری که بیان فرمودید شرط تکلیف، عقل متوجه متناسب با تکلیف است.

پاسخ: خواب عارضی است که ذات طرف قابلیت انجام تکلیف را دارد و این ارتباطی با آن کلام ما ندارد لذا قضا دارد.

خلاصه بحث: محقق نائینی در شرط بلوغ برای تکلیف دو بیان دارد در اولی می گوید که با استفاده از قاعده ملازمه از حکم عقل، حکم شرعی وجوب تعلم در آستانه بلوغ را می فهمیم و صحبتی از مزاحمت حدیث رفع با این حکم شرعی نمی کنند در بیان دوم می فرماید: اساسا اینجا ما حکم شرعی نداریم که حدیث رفع بخواهد آن را بردارد. نقد استاد: مبنای شما این است که عقل حکم نمی کند بلکه درک می کند پس چطور می گوئید اینجا حکم عقلی داریم. از طرفی هم اگر بگوئید از حکم عقل حکم شرع در می آید حدیث رفع مزاحم است. نقد محقق خوئی: ما هر چقدر هم درک قاطع عقلی داشته باشیم با تعبد شارع کنار می رود. پس اینجا وجوب شرعی تعلم در آستانه بلوغ با حدیث رفع کنار می رود.